

خوانشی از نظریه «دین و قدرت» (نقدها و پیامدها)*

مقدمه

نظریه «دین و قدرت» از عبدالکریم سروش درباره نسبت دین و قدرت است که رشد دین را در سایه قدرت و دیگر معارف بشری امکان‌پذیر می‌داند. سروش قرآن را کتاب بیم و ترس نام نهاده که حاصل تجربه پیامبر اسلام ﷺ بوده و جنبه‌های ترسناک آن بیشتر از جنبه‌های رحمانی است. به‌باور او دین یک قدرت است که با تعامل با دیگر قدرت‌ها به تثبیت خود می‌پردازد.

به‌باور سروش قدرت دینی بر دو پایه ایمان حاصل از عشق‌ورزی و ترس از انحراف شکل گرفته است و در دین اسلام جنبه ترس بر جنبه عشق غلبه دارد. او معتقد است پیامبر اسلام ﷺ آگاهانه از قدرت و اقتدار برای حفظ اسلام و سرزمین‌های اسلامی استفاده می‌کرد و این ویژگی اقتدارگرایی پیامبر مورد تأیید قرآن است. به‌گفته سروش روحیه اقتدارگرایی در پیامبر از همان ابتدای اسلام و حضور در مکه وجود داشت و مشرکان را تهدید به مرگ می‌کرد. بر اساس نظریه دین و قدرت، محمد ﷺ عارف مسلح و مؤسس جنبش دینی مسلحانه بود؛ البته استفاده از قدرت و خشونت مؤسسانه فقط منحصر در پیامبر اسلام است و دیگران حق تبعیت از این‌روش را ندارند.

* متن حاضر برگرفته از تارنمای <https://fa.wikishia.net/view> می‌باشد.

نظریه دین و قدرت با انتقادات بسیاری از سوی جریان‌های گوناگون فکری مواجه شد. استفاده از واژه‌های مدرن برای توصیف پدیده‌های قدیم، یک بُعدی دیدن دین، تفسیر نادرست آیات و عدم جامع‌نگری به مباحث قرآنی، استناد به سست‌ترین روایات و برخورد دوگانه با روایات، ضعف پژوهش‌های تاریخی و عدم توجه به سیره پیامبر اسلام ﷺ از نقدهایی است که به نظریه دین و قدرت وارد شده است.

تئوریزه کردن اسلام داعشی، ایجاد تخصصات مذهبی میان جوانان و ایجاد چالش برای دموکراسی در کشور، ایجاد زمینه‌های دین‌گریزی، اسلامی دانستن تمام تکفیرها و جدایی کامل نواندیشی دینی (اصلاح معرفت دینی) از روشنفکری دینی (اصلاح اصل دین) نیز از پیامدهای سیاسی، دینی و اجتماعی نظریه دین و قدرت سرش دانسته شده است.

۱. تبیین نظریه و محورهای آن

عبدالکریم سروش در نشست سرای گفت‌وگو در حلقه دیدگاه نو طی چند سخنرانی، خلاصه‌ای از درس‌گفتارهایش که از اسفند ۱۳۹۷ به بعد ارائه شده بود را با عنوان «دین و قدرت» برای حاضران تبیین کرد. به گفته او آنچه با عنوان دین و قدرت آغاز کرده «پاک مسیر دیگری است». سروش در ابتدای این سخنرانی بر این نکته تأکید می‌کند که نظریه جدید او درباره ارتباط میان دین و قدرت یک تطفن نوآورانه است که قبلاً از آن غفلت کرده بود و اینکه هم دین و هم معرفت دینی نه تنها در کنار دیگر معارف بشری، بلکه در کنار قدرت هم رشد می‌کند و به‌سختی دیگر سایه قدرت و سایر معارف بشری همواره بر سر دین و معارف دین می‌افتد و به آن شکل می‌دهد.^۱

۱. نظریه «دین یک قدرت است» (<https://www.zeitoons.com>).

نظریه دین و قدرت سروش در چند محور زیر قابل تبیین است:

۱-۱. قرآن کریم کتاب خوف و خشیت

سروش قرآن را کتاب خوف و خشیت نام نهاده که حاصل تجربه خوفی پیامبر اسلام ﷺ بوده و جنبه‌های خوفی آن بیشتر از جنبه‌های رحمانی آن است. به باور او تأکید بیشتر قرآن بر تعذیب، شکنجه، ترساندن و تهدیدکردن نسبت به دیگر کتب آسمانی، تصویری خشن از خدا ارائه می‌دهد و او را اربابی عبوس معرفی می‌کند که باید بر او سجده کرد و از خشم و غضب او ترسید. سروش این تصویر از خدا را حاصل قرآن تألیف‌شده از سوی پیامبر و محصول روان او می‌داند.

به عقیده سروش نقصان محبت و عشق در اسلام به وسیله تصوف جبران شد. به گفته او افزودن تجربه‌های پیامبرانه عرفا و صوفیان بر تجربه پیامبر اسلام در کتاب‌هایی مانند مثنوی معنوی، دیوان شمس و فصوص الحکم که عشق‌نامه هستند، این کار را انجام داد؛ بنابراین آنچه ما امروز در عالم اسلام داریم منحصر در تجربه پیامبر اسلام نیست، بلکه حاصل تجربه پیامبر و تجربه‌های صوفیانه است.

۱-۲. دین، یک قدرت است

سروش با استناد به آیاتی از قرآن معتقد است تهدید و رعب‌افکنی در اسلام بسیار پُررنگ است، درحالی‌که در **تورات** و **انجیل** چنان ادبیاتی وجود ندارد و در کتاب زرتشت اگرچه از عذاب سخن گفته می‌شود، ولی سخن از بهشت بسیار بیشتر است. او پس از طرح مقدمات فوق به موضوع اصلی سخن خود می‌پردازد و آن را از منظر جامعه‌شناسی و سیاست قابل طرح می‌داند. به گفته سروش دین یک قدرت است و با تعامل با دیگر قدرت‌ها به تثبیت خود می‌پردازد.

نظریه دین و قدرت دوپایه برای قدرت دینی تصور می‌کند؛ یک ایمانی که حاصل

عشق‌ورزی به پیامبر است و پایه دیگر که مؤمنان هم به آن احتیاج دارند، ترس از خطا، انحراف و شک در ایمان است. پایه دوم دین یعنی ترس بیشتر برای مخالفان و کسانی است که هنوز وارد عرصه ایمان نشده‌اند و پیامبر ﷺ و ائمه ﷺ بیشتر از این پایه دین استفاده می‌کردند.

به‌باور سروش، پیامبر اسلام ﷺ آگاهانه از قدرت و اقتدار که جنبه نیکو و مثبتی دارد، برای حفظ اسلام و سرزمین‌های اسلامی استفاده می‌کرد و این ویژگی اقتدارگرایی پیامبر مورد تأیید قرآن است. وی با خواندن این شعر «مصلحت در دین ما جنگ و شکوه/ مصلحت در دین عیسی غار و کوه» پیامبر اسلام را مأمور به جهاد و استفاده از شمشیر می‌داند و معتقد است روحیه جنگی و استفاده از خشونت برای حفظ قدرت را او در جامعه اسلامی دمید، درحالی‌که عیسی ﷺ روحیه جنگ‌طلبانه نداشت و روحیه ترسایی را در مسیحیت دمید.

بر اساس نظریه دین و قدرت سروش، برخورد شدید با مرتدین و کسانی که پیامبر را هجو می‌کنند، از صدر اسلام تاکنون، نمونه‌ای از رویکرد پیامبر اسلام و مسلمانان برای حفظ قدرت دین اسلام است. به‌گفته سروش این روحیه اقتدارگرایی در پیامبر از همان ابتدای اسلام و حضور در مکه وجود داشت و مشرکان را تهدید به مرگ می‌کرد، باوجوداینکه هنوز حکومت اسلامی شکل نگرفته بود.

تفکیک میان اسلام (ایمان ظاهری) و ایمان (ایمان قلبی) نکته دیگری است که سروش برای تقویت نظریه دین و قدرت خود به آن اشاره کرده است؛ براین اساس کسانی که در کشور اسلامی زندگی می‌کنند، اگرچه ایمان واقعی هم ندارند باید به زبان اقرار به اسلام کنند و خود را تسلیم حکومت اسلامی بدانند.

۱-۳. محمد ﷺ سیاست‌مدار مقتدر و عارف مسلح

سروش با استشهاد به رویکرد نیچه به پیامبر اسلام، محمد ﷺ را سیاستمداری هدفدار،



هوشمند، چالاک، کاردان و مقتدر معرفی می‌کند که همزمان از قدرت نرم و قدرت سخت توأمان برای حفظ دین اسلام و حکومت اسلامی استفاده می‌کرد. به گفته او، محمد عارف مسلح و مؤسس جنبش دینی مسلحانه بود، ولی استفاده از قدرت و خشونت مؤسسانه فقط منحصر در پیامبر اسلام است و دیگران حق تبعیت از این روش را ندارند.

۲. بازخوانی نقدها

پس از ارائه سخنرانی دکتر سروش تحت عنوان «نظریه دین و قدرت»، انتقادات متعددی از سوی اساتید حوزه و دانشگاه و همچنین روشنفکرانچه در داخل و چه در خارج کشور به این نظریه وارد شد. انتقادات ایرادشده به نظریه دین و قدرت سروش، ذیل چند موضوع نقدهای روشی، قرآنی و دین‌شناختی، سیره‌نگاری، حدیثی و تاریخی به شرح ذیل دسته‌بندی می‌شود:

۲.۱. قدیم‌گرایی و تک‌ساحتی‌دیدن دین

استفاده از روش تحلیل به جای برهان و استدلال، عدم استفاده از موازین علمی و پژوهشی و استفاده از فن خطابه در بیان نظریه دین و قدرت را مهم‌ترین نقد روشی نظریه دین و قدرت دانسته‌اند. افتادن در تله قدیم‌گرایی (بررسی پدیده‌های مدرن در جهان قدیم و استفاده از واژه‌های مدرن برای اشاره به اتفاقات جهان قدیم)، تأویل لغات به معانی ناسازگار مثلاً تأویل عذاب به شکنجه، تحمیل قضاوت‌های پنهان در ورای جملات و تک‌ساحتی و تک‌بعدی دیدن واقعیت دین و فروکاستن کتاب وحی به یک بخش آن، از دیگر نکات مورد نظر ناقدان درباره خلط‌های روشی دکتر سروش در نظریه دین و قدرت است.



۲-۲. تفسیر نادرست آیات و عدم جامع‌نگری به مباحث قرآنی

عدم توجه به آیات سرشار از عشق، محبت و رحمت و عدم جامع‌نگری درباره مباحث قرآنی [از نقدهای مهم دین‌شناختی به نظریه دین و قدرت سروش است. منتقدین همچنین معتقدند فهم قدرت باید در پرتو حکمت الهی (استفاده از واژه عذاب درباره افراد خاص) صورت گیرد. بر اساس نظر مخالفان نظریه دین و قدرت جهاد در سیره پیامبر ﷺ بیشتر جنبه دفاعی داشته و تابع مصلحت بود. به عقیده آنان ایمان به پیامبر در پرتو اراده و انتخاب آگاهانه و آزادانه توسط مسلمانان صورت گرفت و دعوت پیامبر را منحصر به ابلاغ رسالت می‌دانند.

اشاره قرآن به مجازات اخروی مرتد نه دنیوی او، تقطیع آیات، عدم تفاوت میان اسلام و ادیان گذشته در به‌کارگیری قدرت جهت مقاومت و پیروزی، جواز استفاد از قدرت برای برداشتن موانع ابلاغ دعوت انبیا مانند حاکمیت کفر و عدم جواز استفاده از قدرت جهت مسلمان کردن مردم، غلط‌بودن مبنای سروش درباره وحی (رویانگاری وحی یا کلام محمد خواندن آن)، پی‌ریزی مقوله عشق در اندیشه صوفیه بر اساس آیات قرآن و روایات، تجلی عشق دوسویه میان خدا و بندگانش در آیات قرآن (سجده در برابر خدا به‌خاطر عشق به محبوب نه ترس از عذاب) و خلط بین اقتدار و اقتدارگرایی در سخنان سروش از دیگر نقدها به نظریه دین و قدرت سروش است. همچنین به‌باور منتقدان اظهار اسلام ظاهری نشانه وسعت دید و محوریت آزادی در اسلام است و ترس از خدا را به‌دلیل ترس از عدل و قاعده‌مندی در رفتار او و رفتار ناشایست خود انسان‌ها می‌دانند.^۱

۱. برای مطالعه تفصیلی به یادداشت‌ها و آدرس‌های ذیل مراجعه شود:

دین و حکمت، پایگاه سلسبیل / پیش‌نقدی به بحث «دین و قدرت» دکتر سروش، پایگاه انصاف نیوز / نقد گفتار دین و قدرت سروش، پایگاه بررسی‌های تاریخی / محمد رسول‌الله ﷺ؛ پیامبر رحمت یا



۲-۳. استناد به روایات ضعیف و برخورد دوگانه با روایات

منتقدین نظریه دین و قدرت، استناد به سست‌ترین روایات، بارکردن حکم کلی بر اسلام با چند روایت غیر مستند، برخورد دوگانه با روایات (ردّ روایات قوی در مواردی مانند اثبات مهدویت و قبول روایات ضعیف در اثبات نظریه دین و قدرت) و تقطیع احادیث و تأویل نادرست آنها را از لغزش‌های روایی دکتر سروش در این نظریه دانسته‌اند.^۱

۲-۴. یکی دانستن تاریخ اسلام با اصل دین

نقدهای تاریخی متعددی به نظریه دین و قدرت سروش وارد شده است؛ از جمله این نقدها می‌توان به یکی دانستن تاریخ اسلام با اصل دین (محسوب‌کردن عمل اقتداری مسلمانان به نام پیامبر اسلام توسط سروش) اشاره کرد. شکل‌گیری تصاویر اقتداری از پیامبر و دین در نتیجه مشروعیت‌سازی حکومت‌های موجود مانند بنی‌امیه و بنی‌عباس، کمبود محبت و عشق در اسلام تاریخی (تک‌بُعدی‌شدن اسلام بر اساس مقتضیات زمان و مکان در رفتار مسلمانان)، کمتر بودن خشونت آشکار در جهان اسلام نسبت به جهان مسیحیت، عدم دمیده‌شدن روح پیامبر در جهان اسلام و روح عیسی در جهان مسیحیت ارائه تصویر اقتداری از پیامبر در کتب دینی موجود و اجرای نخستین حکم قتل مرتدین در

→

«عارف مسلح»؟ پایگاه زیتون/ نیم‌رخ دکتر سروش، پایگاه محمدنصر اصفهانی/ چگونگی مواجهه پیامبر اسلام با مخالفان، پایگاه زیتون/ چالش اسلام و قدرت، پایگاه زیتون/ تناقض‌های سروش و تمسک به روایت‌های جعلی، پایگاه مهرنیوز/ استفاده از قدرت برای مسلمان‌کردن مردم مشروع نیست، پایگاه ایکننا/ سروش عمداً بخشی از آیات و روایات را نمی‌بیند، پایگاه مهرنیوز/ نقدی بر نسبت «دین و قدرت» از منظر عبدالکریم سروش، پایگاه زیتون/ نقدی بر سخنان اخیر دکتر سروش درباره دین قدرت است، پایگاه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی/ الهیات آشوب، پایگاه دین آنلاین.

۱. ر.ک: همان.

زمان خلیفه اول درباره خودداری کنندگان از پرداخت زکات از دیگر انتقادات وارده شده به نظریه دین و قدرت از منظر مباحث تاریخی است.

۲-۵. پیامدهای سیاسی - اجتماعی نظریه دین و قدرت

نظریه دین و قدرت سروش را التهاب آفرین و دارای برخی پیامدهای سیاسی و اجتماعی برای جامعه و مسلمانان دانسته‌اند. ایجاد تخصصات مذهبی میان جوانان و ایجاد چالش برای دموکراسی در کشور را از جمله این پیامدها دانسته‌اند. ایجاد زمینه‌های دین‌گریزی در جامعه تنوریزه کردن اسلام داعشی و تقویت اسلام‌هراسی ایجاد ذهنیت اسلام افراطی درباره حکومت ایران در میان جوانان اسلامی دانستن تمامی تکفیرها و خشونت‌ها و ایجاد جدال‌های فرقه‌ای و همچنین جدایی کامل نواندیشی دینی (اصلاح معرفت دینی) از روشنفکری دینی (اصلاح اصل دین) دیگر عواقبی است که به نظر منتقدان نظریه دین و قدرت سروش ممکن است برای اعتقادات دینی مسلمانان به بار آورد.

۳. تعدیل نظریه دین و قدرت

دکتر سروش پس از ارائه نظریه دین و قدرت در سخنرانی‌های ابتدایی خود با موجی از انتقادات مواجه شد و همین مسئله باعث شد تا او در سخنرانی آخر خود درباره این نظریه بیشتر به تعدیل مواضع خود و پاسخ به انتقادات بپردازد. وی در این سخنرانی محمد را فردی مقتدر نه خشونت‌گرا و زورگو معرفی کرد و معتقد بود قدرت برای ایجاد جهان بر اساس الگوی اندیشه پیامبر سازنده و مثبت است. به گفته سروش پیامبر در مقابل مشکلات عقب‌نشینی نمی‌کرد و آنها را در کمال اقتدار حل می‌کرد.

سروش پیامبر را فردی اهل مدارا، مذاکره، مشاوره و معاهده می‌دانست که در عین حال به جنگ و مقاومت هم می‌پرداخت و به عبارت دیگر رحمت، شفقت و جدال احسن را در

کنار مقاومت و جنگ به کار می‌برد. به‌باور سرورش پیامبر اسلام به‌دنبال اسلام و ایمان به‌صورت هم‌زمان بود و به‌عبارتی ذوالعینین بود؛ از طرفی راهب و عارف بود و در عین حال مدیر، مدبر و مرد جنگی بود. در نهایت به این نکته می‌پردازد که خشونت معنایی سیال دارد یعنی رفتار پیامبر در آن زمان خشونت ما لایطاق نبود؛ اگرچه امروزه معنایی خشونت‌آمیز از آن رفتارها برمی‌آید.^۱



۱. ر.ک: محمد رسول الله ﷺ؛ پیامبر رحمت یا «عارف مسلح»؟ سایت زیتون.

منابع

۱. آیت‌اللهی، حمیدرضا؛ شش مغالطه در سخنان اخیر سروش درباره دین و قدرت (نقدهایی به نظریه دین و قدرت سروش)؛ تاریخ مراجعه: ۱۳۹۹/۱۰/۱۷، مندرج در سایت ایگنا.
۲. شفتی، فرهاد؛ پیش‌نقدی به بحث «دین و قدرت» دکتر سروش؛ تاریخ مراجعه: ۱۳۹۹/۱۰/۱۸، مندرج در سایت انصاف نیوز.
۳. علیدوست، ابوالقاسم؛ دین و حکمت (نقدهایی بر نظریه دکتر سروش)؛ تاریخ مراجعه: ۱۳۹۹/۱۲/۲، مندرج در سایت سلسبیل.
۴. نبوی، اخوان؛ نقدی بر سخنان اخیر دکتر سروش درباره نظریه دین و قدرت (یادداشت)؛ تاریخ مراجعه: ۱۳۹۹/۱۰/۲۲، مندرج در سایت پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵. نصر اصفهانی، محمد؛ نیم‌رخ دکتر سروش؛ تاریخ مراجعه: ۱۳۹۹/۱۰/۱۷، مندرج در سایت محمدنصر اصفهانی.

